

اوضاع ایران در قرن نوزدهم

۱ جنگ با گرجستان و روس

بنابر «سیرملوک عجم» تالیف محمد حسن خان حاکم خلخال که نسخه آن در کتابخانه نگارنده موجود است و در جایی دیگر نسخه آنرا سراغ ندارم و شامل وقایع تاریخی ایران از ظهور قاجاریه تا اواسط سلطنت فتحعلیشاه میباشد، در ۶۰۳ که هلاکو خان از جانب برادر خود منکوقا آن مامور بقلع قلاع ملاحظه بود حسب الامر برادر خود از هرده خانواده مغول دو خانوار در رکاب مامور شدند که از سرحد ممالک ترکستان تا اقصای مصر و شام بمحافظت آن حدود گماشته شوند. عده آنها بصد هزار مرد جنگی میرسید از جمله ائیل قاجار را مامور سرحد شام نمود در این اثنا امیر تیمور با بعرضه جهانگیری نهاد و بانحدود متوجه گردید و بواسطه ایلیت اترک مزبور را کوچانیده بایران آورد و مامور به ترکستان نمود، بعضی از آن طوایف در آذربایجان توطن کردند. قاجاریه در حدود گنجه و ایروان سکونت اختیار نمودند و در هنگام جلوس شاه اسمعیل صفوی از جمله امرای عالی شان و مصدر کارهای برجسته بودند. در زمان شاه عباس پاره ای از آن طایفه را که بجلادت اشتهار داشتند از گنجه و ایروان کوچانیده برخی را در قلعه مبارک آباد استرآباد و بعضی را بمر و وشاه جهان خراسان مسکن داد. این طایفه اکثر اوقات با تراکمه و اوزبگان منازعه داشتند تا آنکه در ایام سلطنت شاه سلطان حسین خدمت سرداری قاجاریه استرآباد را به فتحعلی خان قاجار واگذار نمودند. چون او در ۱۱۳۹ بقتل رسید پسرش محمد حسن خان آن منصب را یافت و بادشمن و دوست مدارا نمود. پس از مدتی به زد و خورد هائی چند پرداخت و سلطه اقتدار بکف او در آمد. در خلال این حال ابراهیم خان بقایری با چند نفر از خوانین ائیل خود را کوچانیده بدر گاه او پناه آوردند و پیشکش های گرانبھائی گذرانیدند که از آن جمله دو قطعه الماس یکی بوزن هشت مثقال و کسری موسوم به دریای نور و دیگری شش مثقال موسوم به تاج ماه بود. ۱. محمد حسن خان آن

۱ - Thomson M. منشی قدیم سفارت انگلیس در تهران نقل از راپرت نمره ۴ سنه ۱۸۶۸
پ. و لکل P. Voelkel اسامی و وزن ده قطعه جواهر نفیسه موجود در خزانه آن زمان ایران را
در صفحه ۲۹ مجله آزیانیک بترتیب زیر شرح میدهد:

۱- دریای نور ۱۷۸ قیراط ۲ - تاج محل ۱۱۲۵ قیراط ۳ - الماس انگلستان که ژوز چهارم
به فتحعلیشاه داده است ۷۳ قیراط ۴ - گل شفتالو ۶۲ قیراط ۵ - هندی تراش ۵۳ قیراط ۶ - تاب
سیاه ۵۲ قیراط ۷ - هندی تراش بلند ۴۷ قیراط ۸ - آینه نما ۴۵ قیراط ۹ - هندی تراش سفید ۴۳
قیراط ۱۰ - بدن انگیز ۳۸ قیراط .

طایفه را در مازندران مسکن داد . در اثناء یکی از محاربات آذر بایجان آغامحمدخان را به دارائی آن ایالت منصوب نمود .

اخرا الامر محمدحسن خان پس از جنگهای متوالی باشیخ علی خان و محمد ولی خان و صادق خان در استرآباد منهزم شد و بجنگل رفت. در همان اثنا سبزه علی نام که از جمله ملازمان قدیم او بود نمک ناشناسی نمود و ملازمت شیخ علی خان را اختیار کرد و باده سوار او را در جنگل تعقیب کرد و در سنه ۱۱۶۱ بقتل رساند. محمد علی خان قوانلو باتفاق آغا محمد خان قاجار با جمع اصحاب خود را باسترآباد رسانیدند. آغا محمدخان پس از مدتی جنگ داخلی بمنظور امنیت کشور روانه آذر بایجان گردید و در آنجا قصد تنبیه ابراهیم خلیل خان نمود. در اردیبهل حکم بقتل و غارت طوایف طالش داد. اموال و اسباب و عیال و اطفال آنها را که زمانی پیش روانه سالیان کرده بودند و اهالی آنجا آنها را راه نداده بودند در گوشه ای از ساحل دریا دستگیر نمود و باز ندران کوچانید و در همان موقع فوجی از سپاهیان را مامور دستگیری ارامنه کرد و آنان را نیز قتل و غارت کردند آنگاه بمحاصره قلعه پناه آباد پرداخت. ابراهیم خلیل خان در خارج قلعه سخت دفاع کرد ولی تلفات سنگین داده بدرون قلعه عقب نشست و سالخورده ای را بناچار وسیله عفو ساخت و متعهد خدمتگزاری گردید. در همان اوقات عریضه سلمان پاشا به والی بغداد بانحنف و هدایا به نزد آغامحمدخان رسید. پس از فراقت امور داخلی آذر بایجان بقصد تسخیر تفلیس متوجه گرجستان گردید این تصمیم هنگامی بود که افکار کاترین دوم امپراطریس روسیه منتشر بود و نظر بوقوع شورش فرانسه میخواست قشون خود را از اکناف کشور جمع آوری کرده بسرحداث غربی روسیه انتقال دهد .

از کلی خان^۱ والی گرجستان که از مدتها پیش اطاعت دولت ایران را میسر کرده در سال ۱۱۹۸ هجری قمری به روسها پیوست و به تحریک عمال دولت روس بظواهرات خصمانه پرداخت ولی چون از کمک جدی روسیه محروم ماند اکتفا به تاخت و تازهای غیر منظم و بی قاعده ای نمود وی مدعی بود که اجداد و اسلاف او سالهای متمادی خدمتگزار کشور ایران بوده اند و بدین جهت او نیز حق تصاحب گرجستان را خواهد داشت .

آغا محمد خان قبل از حرکت باذر بایجان قصد خویش را بمنظور حمله بگرجستان بکسی ابراز نداشت و بدین منظور شصت هزار سپاهی مختلف خود را که در خارج تهران جمع آوری کرده بود باذر بایجان گسیل داشت ، در سال ۱۲۰۹ از ساحل چپ رود ارس بتعرض پرداخت فرمانی برای ار کلی خان فرستاد و او را باطاعت طلبید ، ار کلی خان در ابتدا از ورود آغا محمد خان جلوگیری کرد و بقصد مقابله پیش رفته بمحاربه پرداخت. آغا محمد خان قشون خویش را به سه دسته منقسم نموده دسته ای را از راه مغان روانه داشت . بیست هزار نفر را در اطراف شهر ایروان که بسیار مستحکم بود متمرکز ساخته خود در گنجه بسپاهیان اول پیوست . علت عمده تمرکز قوا در اطراف ایروان بملاحظه آن بود که لشکریان آغا

۱- هراکلیوس Heraclius معروف به فیصر گرجستان ۱۷۶۰ - ۱۷۹۸

محمدخان تماماً سواره نظام بودند و بهمین مناسبت آنطوری که قصد نهانی وی بود عملیات جنگی پیشرفت حاصل نکرد و ایروان و قلعه شوشی باسانی بتصرف در نیامد لذا باچهل هزار نفر بشهر تفلیس حمله ورگشت پس از زدوخوردهای خونین و با فشاری سخت ارکلی خان که قشون او از ده هزار تجاوز نمیکرد آن شهر را بتصرف در آورد؛ ارکلی منهزم و پس از عقب نشینی داخل قلعه تفلیس شده خواهروزن خود را برداشت و بسوی کاخ کارتیل^۱ و کوه‌های حوالی آنجا رفت و در آنجا مخفی شد. فرار ارکلی زمینه مساعدی برای پیشرفت قشون آغا محمدخان فراهم ساخت.

در تفلیس آغامحمدخان حکم قتل و غارت داد کشتار وحشتناکی از مردم آنجا کردند. کلیساهای آنجا را منهدم کردند و بعضی را آتش زدند کشیشان را دست بسته برودخانه کور انداختند و خلیفه اعظم و عده دیگر از کشیشان را که از کلیسای معروف کازیک^۲ آورده بودند معلق بزیر پل رودخانه آویختند تا آنکه جان دادند. این حوادث در اوایل سال ۱۲۱۰ قمری رخ داد و موجب نفرت شدید مسیحیان گرجستان گردید بطوری که هر سال اهالی آن سامان در نقاط مختلفه در روز وقوع حادثه کشیشان مجتمع گشته دسته‌ای بشکل آغامحمدخان و سرداران و همراهان او براه می‌انداختند و تماشاچیان باز بکران این تعزیه را لعن و نفرین میکردند و حتی گاهی با نهاسنک پرتاب میکردند. در زمان نمایندگی مرحوم ارفع اقدام بجلوگیری از این تظاهرات بعمل آمد و حکم منع آن از جانب امپراطور روس صادر شد.

آغامحمد خان در بازگشت از تفلیس با پانزده و بروایتی شانزده هزار جوان مختلف النژادی که باسارت در آورده بود متوجه گنجه و از آنجا عازم جلگه مغان گردید و پس از برقراری سلیم خان بحکومت شکی بتهران مراجعت کرد و در تهران تاجگذاری نمود و خطبه و سکه بنام او کردند. چون بعرض آغا محمد خان رساندند که نادر سلطان شورشی برپا کرده و اشیاء نفیسه حضرت رضا را از بین برده اند و همچنان اوزبکیان نیز وارد خراسان گشته اهالی مرورا قتل و غارت کرده اند شاه اراده تسخیر و امنیت آن سرزمین نموده روز هفتم ذی‌قعدة ۱۲۱۰ عازم خراسان گردید. در استراباد دسته دیگری تر کمانیه را گوشمالی داد سپس بخراسان رفت الله یار خان بلخی حاکم سبزوار و سایر حکام و خوانین آن ولایت هر یک با افواج خود بر کاپ پیوستند. جعفرخان نیشابوری و ابراهیم خان شادلو را یکی پس از دیگری با کوچ روانه تهران ساخت. در آن شهر جواهرات و یاقوت گرانبهای تاج اورنگ زیب را که از غنائم هندوستان نادر شاه افشار بشمار میرفت از شاهرخ میرزا گرفته باشکنجه فراوان ویرا کور و با اولاد و خانواده بماندندان تبعید کرد. شاهرخ میرزا قبل از رسیدن بماندندان از درد شکنجه همیکه دیده بود در گذشت. شاه مرادخان افغانی بمحض استماع طمطنه قاتنی مرورا تخلیه کرد و روی بیخارا نهاد. آغامحمد خان میخواست متوجه بخارا گردد که خبر مقدمه ورود قوای روس بمغان بزم تسخیر آذربایجان و انقیاد اهالی بادکوبه و سالیان و طالش را باو دادند

۱- یا کارتالینی ۲- کازیک یا مکین واری Mquinwari کوه مرتفع در شمال عربی تفلیس

در همان سال که مصادف با ۱۲۱۱ قمری بود کاترین قشونی بالغ بر ۳۵ هزار نفر بفرماندهی ژنرال والرین ژوبف بامداد از کلی خان فرستاده بود تا پادگان متمرکز ایران را از گرجستان براند. این عده قبل از فوت کاترین ابتدا از دربند و باد کوبه گذشت و از سواحل خزر خود را برودارس رسانده بودند پس از تسخیر شماخی و گنجه تالنگران پیشرفت نموده میخواستند از راه انزلی ورشت بتهران بیایند که خبر فوت کاترین اشاعه یافت. پس Paul پل پسر کاترین فوراً قشون اعزامی قفقاز را احضار و از ادامه عملیات خودداری نمود.

آغامحمد خان از خراسان خود را بتهران رسانده از جمله اتفاقاتی که در آن موقع بوقوع پیوست رسمیت یافتن خبر فوت کاترین و ورود ایلچی افغانستان به تهران برای رساندن نامه تهنیت آمیز زمان شاه بلخی بقبول تفویض بلخ بوده است.

آغامحمد خان در اوایل ذی قعدة ۱۲۱۱ بهزم تسخیر قلعه پناه آباد و استیصال ابراهیم خلیل خان والی قرا باغ از راه اردبیل بجانب اوشتاقت. ابراهیم خلیل خان به حضاستماع حرکت آغامحمد خان بدیار شکی ولایت لگزیه بگریخت و آغامحمد خان بیمانع وارد قلعه شد و اموال فراوانی از ارامنه و مسلمانان آنجا بدست آورد. آنگاه میخواست از گیهارا که بفرماندهی گرگین خان پسر ارکلی خان برای کمک آمده بودند از گرجستان اخراج نماید ولی چون لشکر او بقلعه شوش رسید در سن ۶۳ سالگی دوسه نفر از خدمتگزاران از شمله خوی جهانسوز وی مخوف گشته در شب شنبه بیست و یکم ذی قعدة ۱۲۱۱ قریب بطلوع صبح صادق در جامه خواب ویرا بقتل رساندند. تاج شاهی و سایر جواهر از دریای نورو تاج ماه و غیره را نزد صادق خان شقاقی سپردند او نیز جواهرات را گرفت و محفووظ داشت. صبح خبر منتشر گشت امراء و لشکریان متفرق شدند.

باباخان پسر حسینقلی خان برادر آغامحمد خان که بعدها فتحعلیشاه نامیده شد اداب جهانداری را از آغامحمدخان به میراث داشت و همواره از جانب او بسرداری و لشکر کشی مأمور میگشت. پس از قتل عموی خود با لشکر کشیهای فراوان و مشقتها زیاد بر سریر پادشاهی متمکن گشت چنانکه در زمان آغامحمد خان کسی را یارای مخالفت و عدم اطاعت نماند امرای ایران راه انقیاد در پیش گرفتند مگر چندتن که آنها هم بزودی از بین رفتند. مثلاً هنگامیکه آغامحمد خان بهزم تسخیر پناه آباد عازم آذربایجان بود بابا خان را مأمور فارس کرده بمیرزا محمدخان بیگلربیگی وصیت نمود که اگر در این سفر پادشاه قهار خلعت هستی ما را خلع نماید بدون تأمل ابواب قلعه تهران را بروی بابا خان بکشاید و مخاذن سیم و زر و سایر اسباب سلطنت باو سپارد. بدین ترتیب پس از قتل آغامحمدخان در قلعه پناه آباد باباخان بکمک محمدخان بیگلربیگی که بدفع دشمنان داخلی از قبیل علیقلی خان و صادق خان شقاقی پرداخته بود وارد تهران گردید

فتحعلیشاه کثیر الاولاد بود و اکثر اوقات بساط نشاط چیده بعیش و عشرت مشغول میشد

۱- محمود میرزا پسر چهاردهم خاقان در کتاب خطی خود موجود در کتابخانه نگارنده مینویسد فتحعلیشاه دارای ۸، ۳ اولاد و نبیره بوده و در سال ۱۲۳۵ و تاریخ تالیف کتاب ۴۸ پسر و ۵۳ دختر بقلم رفته است

در عین حال علما و فضلا و سادات را بسیار دوست میداشت. ابواب انعامات بروی بینوایان میگشود. قاتلان آغا محمد خان را دستگیر کرد و باشکونچه ورنج بقتل رساند. ابراهیم خان قاجار را بطلب دریای نور نزد صادق خان شقاقی که متواری شده بود فرستاد تا آنکه هنگام ورود فتحعلیشاه بزنجان صادق خان اشیاء نفیسه شاهی و جواهر مزبور را بتوسط ابراهیم خان تسلیم نموده عریضه ضراعت آمیزی فرستاد و عفو گردید و نیز بحکومت سراب و گرم رود، منصوب شد.

فتحعلیشاه حسینقلیخان قاجار را برای آوردن چناره آغامحمدخان مأمور نمود و جسد او را آوردند و پس از مراسم عزاداری با کمال احترام روانه نجف اشرف کردند. در سال ۱۲۱۲ هجری که مصادف با جلوس فتحعلی شاه بتخت سلطنت بود اغتشاشاتی در داخل کشور بوقوع پیوست که تماماً بنفع او تمام شد چنانکه قبل از حرکت بخراسان شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه را مأمور بتنبیه سرکشان آذربایجان کرد و شاهزاده مزبور بوزم گوشمالی جعفرقلیخان وارد سلماس شد و او را منهزم و متواری ساخت. جعفرقلیخان بما کو رفته بنزد پاشایان دویم پناهنده شد.

چون در آن اوقات پس از فوت ارکلی خان دائماً بین پسرهای او کشمکش در میگرفت حکومت گرجستان مردم رو بضعف رفت و دولت روس رفته رفته آن نواحی و بخصوص شهر تفلیس را بتصرف خود در آورد. گورگین خان فرزند ارکلی خان در سال ۱۲۱۴ لقب قیصری را بامپراطور روس بل اول تفویض کرد و خود منحصراً دارای عنوان نایب السلطنه قفقاز شد. در ۱۲۱۶ هجری و ۱۸۰۱ عیسوی پس از فوت او گرجستان رسماً ضمیمه روسیه گردید. چون گورگین خان در حکومت پنجساله خود بتلافی اعمال گذشته آغامحمد خان یا مسلمانان گرجستان بنای بد رفتاری را گذاشت و اغلب آنها را بقتل میرساند اهالی گرجستان از فشارهای او بتنگ آمدند و بدولت ایران متوسل شدند.

در سال ۱۲۱۸ قمری ژنرال تسیسیانو معروف به اشپخدر بر سر اسر گرجستان استیلا یافت و پس از تصرف گنجه بسوی ایروان پیشرفت. این خبر هنگامیکه فتحعلیشاه سرگرم بتنبیه تراکه بود بسمع او رسید و بیدرنک نامه ای مشعر بوعده و وعید بژنرال تسیسیانو نوشت ولی او ترک مخاصمت ننموده پیشروی خود ادامه داد بدین مناسبت شاه شاهزاده عباس میرزا را مأمور بدفع او کرد. در ذیحجه ۱۲۱۸ شاهزاده مزبور بوزم مقابله حرکت کرد. اوسپاهیان خود را بدامنه کوهی کشاند در همان موقع ناگاه سنگر او بغارت رفت ولی بعد بحملات متقابله پرداخته تفوق یافت. تسیسیانو منهزم گردید و روی بجانب ایروان نهاده در

۱- Tsicianov از شاهزادگان بوده است

۲- نامی است که ترک زبانان پس از شکست او و فرار از بادکوبه باو داده اند و در غالب تواریخ باین اسم یاد شده است.

۳- جنگ اول فتحعلیشاه باروس در این تاریخ آغاز گردید

مسجد جامع تعصن جست در آنجا بفکر شیخون تازه ای افتاده بود که شاهزاده از حيله او مطلع شد و در همان نیمه شب مدبرانه جلو گیری بعمل آورد. آنگاه طوایف شمس الدین و قزاق که از مجال تفلیس پیش آمده بودند مجدداً دست بغارت سنگر عباس میرزا گشودند و لشکریان او دست از جنگ کشیده عقب نشینی اختیار کردند. عباس میرزا چاباری مأمور در بار شاهی نمود و شاه اسمعیل خان را بکمک عباس میرزا فرستاد و در همان موقع ایلچی انگلیس را بانامه و جوابی مشتمل بر عقود و عهود بامحمد خان ملک التجار روانه ایروان داشت درنخجوان اسمعیل خان باهفتاد سوار نیزه دار عازم ایروان شد و درسه فرسنگی آنجا بقصد شیخون روی بسنگر روسیان آورد و عده ای از افراد آنهارا بقتل رسانید و نزال تسیسیانو بعد از عقب نشینی مجدداً بمسجد جامع رفت و هنگام انهدام مسجد بجانب تفلیس گریخت درسال ۱۲۱۹ عباس میرزا بچمن سلطانیه مأمور شد و بقصد تسخیر قلعه شوشی از راه قراجه داغ عازم قراباغ گردید. در این سفر بار دیگر با تسیسیانو جنگ کرد و او را مجدداً مغلوب کرد و توپخانه و غنایم جنگی فراوانی بدست آورد آنگاه شهر ایروان را بمهدی قلی خان قاجار دولو تفویض نمود.

ژنرال تسیسیانو عده ای را برای تسخیر باکور روانه داشت و خود بجانب شیروان شتافت و چون کاری از پیش نبرد برای پیوستن بلشکریان اعزامی خود بباد کوبه مراجعت کرد. در این موقع شاهزاده عباس میرزا چون از اوضاع اطلاع یافت باوجود سرمای سخت بجانب اردبیل رهسپار گشت. تسیسیانو همواره قصد اغفال حسینقلی خان حاکم باد کوبه را داشت ولی هنگام ورود او بباکو حسینقلی خان بدو پیغام داد چنانچه در خارج شهر ملاقاتی اتفاق افتاد و عهد مودت بموایق و بیمان موکدی کند کلید قلعه را بوی خواهد داد لذا بدون تأمل تسیسیانو بکنار حصار باکو آمده با حسینقلی خان عهد مودت کرد. در همین اثنا برادر حسینقلیخان ژنرال تسیسیانوراهدف گلوله ساخته از پای در آورد. روز ششم ذیحجه چابار شاهزاده عباس میرزا وارد گشته سرویک دست سسیانو را بطهران برد.

درسال ۱۲۲۰ هنگام ورود فتحعلیشاه بسلطانیه خبر قتل ابراهیم خلیل خان و تفرقه ائمهات غراباغ را باو دادند بعد از وصول این خبر شاه عزیمت باذربایجان نمود و از آنجا شخصاً بایروان رفت تاخوانین و سرداران آنجا را تشویق ببایداری نماید. از طرفی ژنرال گودویچ که فرماندهی قوای روس بدو محول شده بود بواسطه سرگرمی دولت او بادولت عثمانی و فقدان قوا برای لشکر کشی بایران بتحریر کردن مسیحیان گرجستان و غیره پرداخت تا آنکه پیشنهادی برای انعقاد قرارداد صلح بمیرزا شفیغ خان صدراعظم داد. وی جواب داد تا قوای روس اراضی اشغال شده را تخلیه نکنند برای مصالحه حاضر نخواهد شد. در همین گیرودار بود که ژنرال گاردان فرانسوی با همراهان خود از جانب ناپلئون اول برای کمک مالی بایران وارد شد.